

ماہنامہ تسنیم

(ویژہ نامہ ی ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی)

۱۳۹۷ جمادی الاول ۱۴۴۰ - ۵ فوریه ۲۰۱۹ - ۱۶ بهمن ۱۳۹۷ - سری ۱

مدرسہ زینبہ (سلام اللہ علیہا) فارسان



مدیر مسئول: فاطمہ امید

سر دبیر: صدیقہ خدادادی

طراح و گرافیست: صدیقہ خدادادی

ہیات تحریر: زینت موسایی، ساجدہ علیخانی، زهرانجفی

صاحب امتیاز: مدرسہ علمیہ زینبہ (سلام اللہ علیہا) شہرستان فارسان



سخن سردبیر:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اشداعلی الکفار ورحماء بینهم

باسلام خدمت مخاطبان نشریه تسنیم طلاب ودانشجویان انقلابی با فرارسیدن دهه فجر انقلاب اسلامی و ۴۰ سالگی انقلاب که در سالروز شهادت مادرمان فاطمه زهرا سلام الله علیها است نشان از آن می دهد که انقلاب اگر نبود به راحتی نام ایشان وحضرات معصوم علیهم السلام در جامعه طنین انداز نمی شد واین چنین بیداری اسلامی درجهان رخ نمی داد.

مایه افتخار که مردم با وجود سختی ها باز به حقیقت این انقلاب افتخار می کنند تلاش ما باید در راستای مطالبه از مسئولین وشفاف سازی دستاوردهای انقلاب وافشای سهل انگاری هایی اجرایی باشد که جریان انقلاب ما را کند کرده اند هدف انقلاب ما والا است وحال نیاز به تزریق خون تازه ای از جوانان در رگ این انقلاب داریم که مردانه بایستند احمدی روشن شوند وتمام آلودگی های منفعت طلبانه وسیاست های سودجویانه افراد مغرض را از دل این انقلاب دورسازند وچه زیباست ما در این زمان غیبت غایب از یاد مهدی موعود نباشیم با امید وقدرت پای دین بایستیم واز انقلابی که هدف مهدوی دارد حمایت کرده وتمام افراد بیکفایتی که مایه آبروریزی این ساختار شدند رسوا کنیم.

والسلام علیکم ورحمه الله



انقلاب در لغت و اصطلاح:

در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، انعکاس، تغییر و تحول است.

در اصطلاح رایج جهان (تلاش عده ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو) به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمانهای خاص.



تعریف انقلاب:

انقلاب به معنای زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن است و در آغاز از اصطلاحات علم اخترشناسی بود و در معنای چرخش دورانی افلاک و بازگشت ستارگان به جای اول به کار می‌رفت. فلاسفه انقلاب را این گونه بیان می‌نمایند که ذات و ماهیت یک شیئی لزوماً عوض شده باشد و در نگاه جامعه شناسان هر گونه جنبش اجتماعی توده‌ای که به فرایندهای عمده اصلاح یا دگرگونی اجتماعی بینجامد، انقلاب نامیده می‌شود. انقلاب‌های بزرگ به آن دسته از انقلاب‌ها گفته می‌شود که با تغییرات اساسی در حکومت و ساختار اجتماعی یک کشور یا جامعه همراه بوده‌اند که از

آن جمله می‌توان به انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ اشاره کرد.

هانتینگتون انقلاب را دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت آمیز داخلی در ارزش ها و اسطوره های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست های حکومتی تعریف می کند. سوروکین در تعریف انقلاب می نویسد: «انقلاب تغییر نسبتاً ناگهانی، سریع و خشونت آمیز قوانین رسمی، ولی مهجور گروه، نهادها و نظام ارزش هایی است که قوانین مزبور نماینده آنهاست» تعریف برگزیده این پژوهش از انقلاب این است: «جنبشی معطوف به تحول ارزشی و ساختاری در جامعه که توسط رهبری و سازمان دهی و بسیج کنشگران حول عقیده ای تعمیم می یابد؛ تجلی می کند و نظام مستقر را برمی اندازد».



انواع انقلاب

۱. انواع انقلاب از منظر سرعت رخداد

تغییر کیفی که به‌طور ناگهانی رخ می‌دهد: اضافه نمودن صفت «ناگهانی».

تغییر کیفی که به‌طور تدریجی صورت می‌گیرد: اضافه نمودن صفت «تدریجی».

۲. انواع انقلاب از منظر رابطه با خشونت

تغییر کیفی که برای دستیابی به آن از خشونت استفاده شده است: اضافه نمودن صفت «خشونت‌آمیز»

تغییر کیفی که برای دستیابی به آن از خشونت استفاده نشده است: اضافه نمودن صفت «خشونت‌پرهیز».

۳. انواع انقلاب از منظر میزان فراگیری

تغییر کیفی که در همه حوزه‌ها صورت می‌گیرد. اضافه نمودن صفت «همه‌جانبه»

تغییر کیفی که در یک حوزه صورت می‌گیرد. اضافه نمودن صفت «جزئی»

با ترکیب موارد بالا با یکدیگر، می‌توان توضیحی مناسب و تحلیلی از رخداد مذکور بدست داد

مثلاً می‌توان گفت: ایران یک "تغییر کیفی، ناگهانی، خشونت‌پرهیز و جزئی (تنها در حوزه سیاسی)" را در سال ۱۳۵۷ به چشم خود دید. ایران یک "تغییر کیفی، تدریجی، خشونت‌پرهیز و جزئی (تنها در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی)" را در سال ۱۳۵۷ به چشم خود دید. ایران یک "تغییر کیفی، تدریجی، خشونت‌آمیز و همه‌جانبه" را در دو قرن اخیر به چشم خود دیده است.

انقلاب فرانسه

انقلاب فرانسه خروج مردمی بود که برای اولین بار به حاکمیت موروثی و اشرافی خاندان‌های فئودالی و حاکم بر جامعه‌ی فرانسه خاتمه دادند و نظم اجتماعی کهنی را که

قرن‌ها مبتنی بر اراده‌ی پادشاه و سلطه‌ی مطلق او بر زندگی مردم فرانسه استوار شده بود درهم شکست. شکسته شدن این نظم کهن، از یک‌سو گرایش به سوی انقلاب‌های اجتماعی را در سایر اجتماعات انسانی تقویت کرد و از سوی دیگر پیدایش عصر تازه‌ای را در زندگی بشر رقم زد و موجب تحولات بزرگ فکری و اجتماعی در قرون بعد شد.

در اوایل سال ۱۷۸۹م لویی شانزدهم پادشاه فرانسه، با توجه به خالی بودن خزانه با اعلام نوعی حالت فوق العاده، نمایندگان همه طبقات کشور را در مجمعی به نام مجلس طبقات گرد هم آورد اما از حضور مردم عادی در این اجتماع که با حضور اشراف و وابستگان دربار تشکیل شد، جلوگیری نمودند. لویی شانزدهم در نطق افتتاحیه خود در ۵ مه ۱۷۸۹م به جای اینکه وعده اصلاحات و تغییراتی را به نمایندگان بدهد و آن‌ها را به طرح و ارائه پیشنهادات اصلاحی ترغیب نماید فقط گفت که وظیفه مجلس، مشورت و اظهارنظر برای حل مشکلات مالی کشور است و به دیگر سخن موظف است برای مالیات‌هایی که از طرف دولت وضع می‌شود به نام ملت صحنه بگذارد. هم چنین در این مجلس، به آراء طبقه سوم و پایین‌ترین اعتنایی نشد و این امر باعث اجتماع ضدسلطنتی آنان گردید. از این رو، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۷۸۹م سوگند یاد کردند که تا قانون اساسی فرانسه بر پایه‌های محکمی استوار نشده باشد از هم جدا نشوند. از این تاریخ، انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله خود شد و مجلس مؤسسان شروع به نوشتن قانون اساسی کرد. در این میان ظلم و ستم لویی شانزدهم باعث خشم مردم گردید که در نهایت سر به شورش برداشتند. آنان به مخازن

اسلحه دولت حمله ور شده و مقداری توپ و تفنگ به دست آوردند و به طرف زندان باستیل که محل زندانیان سیاسی بوده رفته و آن جا را با خاک یکسان کردند. فتح باستیل که آغاز اصلی انقلاب کبیر فرانسه محسوب می شود، ضربه مستقیمی بود که توسط ملت بر حکومت استبداد وارد آمد. این حوادث، تاثیرات متعددی در فرانسه و حتی دیگر کشورهای مجاور ایجاد کرد به طوری که این انقلاب به عنوان مبداء تاریخ معاصر این کشور به شمار می آید. گرچه انقلاب کبیر فرانسه با شعار فریبنده آزادی، برابری و برادری آغاز شد ولی حاصل آن نه آزادی و نه عدالت بود و نه برادری و برابری. خفقان دوران حکومت رهبران انقلاب کبیر فرانسه از هر دورانی در فرانسه بیشتر و دامنه ظلم و بی عدالتی از هر زمانی گسترده تر بود. رهبران انقلاب فرانسه نه فقط آزادی و عدالت را برای هم وطنان خود به ارمغان نیاوردند، بلکه از تحمل عقاید یک دیگر هم عاجز بودند و حتی سر بسیاری از رهبران انقلاب به دست دوستان و همزمان خودشان زیر تیغه گیوتین رفت.

انقلاب صنعتی اروپا

انقلاب صنعتی، نهضتی بود که مراحل آغازین آن، میان سالهای ۱۲۲۱ تا ۱۸۳۵ م در انگلستان و پس از سال ۱۸۱۵ م در قاره اروپا رخ داد. این نهضت، زندگی اجتماعی، صنعتی، تجاری و سیاسی دنیای غرب را دگرگون ساخت. بخش بزرگ این نهضت، عبارت بود از:

الف- (به کار بردن ماشین آلات در صنایع، معادن، حمل و نقل، ارتباطات و کشاورزی؛

ب- (تغییرات در سازمانهای اقتصادی که این روشهای جدید را تحت نظر داشتند.

گسترش این نهضت و ماهیت اساسی تغییرات آن که در یک دوره شصتساله صورت گرفت، اصطلاح

انقلاب را در آن دوره توجیه میکند؛ هرچند سابقه اقتصادی و علمی آن به قرنهای گذشته میرسد و هنوز

هم تا اندازهای، شاید بیشتر از گذشته، ادامه دارد.

علل انقلاب صنعتی:

۱- **گسترش تجارت:** اکتشافات جغرافیایی و تأسیس مستعمرات در قرنهای شانزدهم و هفدهم میلادی، باعث گسترش تجارت و مبادلات ارزی و نیز سبب پیدایش و بقه نیرومند تاجران و سرمایه داران شد. تأثیر این انقلاب بر صنایع، فوری نبود؛ اما گسترش افق اقتصادی به مردم زیر نشان داد که اگر مواد تولیدی فراوان شود، آنها فرصتهای بیشتری برای پول درآوردن خواهند داشت. گسترش امور تجارتی در دنیا، بازاری آماده بهره برداری و مواد خام فراوان فراهم آورد؛ همچنین ورز فکر جدیدی برای پرداختن به امور ایجاد کرد.

۲- **پیشرفت علم:** مردم در وول دو قرن، پیوسته در پی جمعآوری اولاعات علمی بودند؛ هرچند از این دانش، بسیار کم استفاده عملی میشد؛ اما تحقیقات علمی مردانی چون گالیله، نیوتن، هاینجنس و بویل چنان پایههای محکمی برای



و جنگهای ناپلئونی همراه بود، پذیرش انقلاب صنعتی را در فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند و لوکزامبور به تأخیر انداخت.

انقلاب در کشاورزی در قرن هجدهم میلادی، اختراعه‌ها و نوآوریهای فراوان در روش و تشکیلات کشاورزی، دگرگونی‌هایی گسترده را فراهم آورد که از انقلاب صنعتی خبر میداد و آن را ترویج میکرد.

چترتال ماشین بذریاشی تازه‌ای را عرضه کرد که روش قدیمی بذریاشی را از بین برد. وی همچنین در حاصلخیز کردن زمین به وفور مصنوعی پیشقدم شد. چارلز ویسکانت تاؤنرند نیز، در چرخه کشاورزی، تجربیهایی به دست آورد.

در سالهای پایانی قرن هجدهم میلادی در انگلستان، بسیاری از زمینهای زراعتی و عمومی مصادره شد؛ یعنی آنها راتحویل گرفته، به املا بزرگ ملحق کردند. این کار، گاه با پرداخت غرامت به کشاورزانی انجام میشد که پیش از این در آنجا کشاورزی میکردند. بیشتر وقتها نیز، هیچگونه غرامتی پرداخت نمیشد. این اقدام باعث شد آنها در امور کشاورزی بسیار پیشرفت کنند و محصولی به مراتب بیشتر

دانش بودند که بعدها آزمایشکنندگان توانستند آزمایشهای خود را بر آن پایهها استوار کنند.

۳-تشکیلات سیاسی مساعد: شرط لازم برای آغاز انقلاب صنعتی، برقراری آزادی سیاسی، انحلال سیستم صنعتی قرون وسطایی و لغو سیستم ملو الطوایفی بود. این اقدام در انگلستان در اثر انقلابهای قرن هفدهم میلادی و در دیگر کشورهای اروپایی، در اثر انقلاب فرانسه انجام گرفت و ناپلئون با فتوحاتی که داشت، تحولات حاصل از آن را به خارج سرایت داد.

انگلستان پیشگام انقلاب صنعتی: در انگلستان، شرایط برای آغاز انقلاب صنعتی از هر لحاظ مناسب بود. انگلستان بیشتر از دیگر کشورهای اروپایی به وحدت ملی و ثبات در امور سیاسی دست یافته بود. جمعیت انگلستان از جمعیت فرانسه بسیار کمتر بود؛ اما این کشور در اثر جنگهای پیروزمندانه خود در قرن هجدهم میلادی، قدرت مهم دریایی و مستعمراتی جهان شده بود و گوی سبقت را از ملت‌های بزرگ دیگر در تشکیلات سرمایه‌داری ربوده بود.

انگلستان همچنین یک سیستم نیرومند بانکی و سرمایه‌های فراوان برای به کار انداختن در کارهای پرسود داشت. منابع طبیعی، مانند معادن فراوان زغالسنگ و آهن، به‌ویژه پس از به کار بردن زغالسنگ در ذوب آهن به جای زغالچوب در سال ۱۲۵۱ م استفاده از نیروی بخار پس از سال ۱۲۸۵ میلادی باعث شد انگلستان از رقیبان خود پیشی بگیرد. آب و هوای مروویا انگلستان هم برای پنبه ریزی، بسیار خوب بود. اما بی نظمی و هرج و مرج در اروپا که با انقلاب فرانسه

از گذشته داشته باشند؛ اما بسیاری از کشاورزان مجبور شدند به شهرها مهاجرت کنند تا در آنجا برای خود، شغلی مناسب بیابند.



انقلاب کمونیستی روسیه

انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، جنبشی اعتراضی ضد امپراتوری روسیه بود که در سال ۱۹۱۷ رخ داد و به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. مبانی انقلاب بر پایه صلح-نان-زمین استوار بود. انقلاب اسلامی ایران سه انقلاب در عرض کمتر از صد سال، نشان از آن داشت که مردم ایران دستیابی به آرمان‌های سه‌گانه را در دستور کار خود قرار داده بودند و در عطش رشد و ترقی می‌سوختند و می‌گداختند. انقلاب اسلامی، جنبشی سراسر شور و شوق و حرکتی همه جوش و خروش که آخرین فریاد بلند مردم ایران در طلب استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود، اگر چه بسیاری سعی کرده‌اند این انقلاب را در ردیف سایر انقلابها و تحولات معمول دنیا بدانند اما در عمل نظرات آنان با واقعیتها فاصله زیادی دارد.

زیرا نیروی این انقلاب مردمی و اسلامی بدون هیچ‌گونه مرزبندی طبقاتی و گروهی بوده و سازش با نظامهای رایج دنیا ندارد به همین دلیل جریانات و تحولات قبل و بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی مخالف غالب تحلیها و پیش‌بینی‌های سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی بود.

واقعیت این است که دنیا با چنین انقلابی آشنایی نداشت و لذا در برخورد با آن نیز شیوه‌ها و روشهای معمول را به کار می‌گرفت که کارآیی و تاثیر چندانی در سیر جریان دیده نشد. اگر نظرهای مختلفی که در مورد علل تکوین و داوم انقلاب مطرح شده تدوین شود طبعاً صاحب‌نظران داخلی تائید می‌کنند.

عوامل اساسی انقلاب عبارتند از :

- ۱- رهبری حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی که با شیوه‌ای استثنایی و فوق‌العاده رهبری و فرماندهی را به عهده گرفتند و تا پیروزی نهایی هدایت جریانات را به نحو احسن انجام دادند. ویژگیهای شخصی و رهبری امام خود موضوع بحثی جدید در جامعه شناسی سیاسی می‌باشد.
- ۲- حضور یکپارچه و متحد مردم در تمامی صحنه‌ها قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آن چنان توان و قوتی ایجاد نمود که هیچ‌گونه امکانی برای مقابله با آن در اختیار رژیم شاه و اربابانش نبود.
- ۳- اعتقاد به اسلام و ارزشهای آن نه تنها برای خارجیان بلکه برای سران و کارگزاران سیاسی - امنیتی رژیم شاه هم بخوبی شناخته شده نبود.

بزرگ‌ترین تحول قرن بیستم



با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین تحول جهانی قرن بیستم به وقوع پیوست. بنیان‌گذار این انقلاب با قیام خود، غرور ملت‌های مستضعفی را که سالیانی مدید مورد ظلم قرار گرفته بودند، به آنان باز گرداند. او نه تنها سرنوشت کشورش را تغییر داد، بلکه میلیون‌ها انسان گم‌گشته در برهوت جاهلیت عصر مدرن را به بازگشتی دوباره به معنویت و یکتاپرستی فراخواند.

پیروزی انقلاب اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبه‌رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرنوشت خود، در هیچ‌یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد.

انقلاب آزادی بخش

از آنجا که انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی، بر ضد سلطه امپریالیستی شکل می‌گیرد و رژیم شاه در ایران نیز در طول انقلاب به عنوان رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا بود، برخی آن را به عنوان حرکتی ضدامپریالیستی و در گروه

انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی قرار می‌دهند.

اما با وجود جنبه ضدامپریالیستی انقلاب و نیز وابستگی رژیم پهلوی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به حمایت‌ها و کمک‌های مستقیم آمریکا، از آنجا که اصطلاح «انقلاب آزادی‌بخش» به جنبش‌هایی گفته می‌شود که بر ضد سلطه مستقیم خارجی شکل می‌گیرد، کاربرد آن در مورد انقلاب ایران چندان راهگشا نیست.

انقلاب اجتماعی

اصطلاح انقلاب اجتماعی، درباره انقلاب‌هایی به کار می‌رود که بر اثر آنها تحولات ساختاری اقتصادی - اجتماعی چشم‌گیری شکل می‌گیرد. برخی چون اسکاچپول که تحولات اجتماعی ناشی از انقلاب‌ها را به شکل وسیع‌تر تعریف می‌کنند، بر آن‌اند که انقلاب ایران، انقلابی اجتماعی است؛ زیرا با دگرگونی‌های ساختاری و ارزشی وسیعی همراه بوده است.



انقلاب اسلامی نامی همگانی

است از عقیده مشترک، دشمن مشترک، هدف مشترک، وحدت طلبی و مردم گرایی.

عقیده مشترک

انقلاب اسلامی ایران، همانند هر جنبش ملی- اسلامی دیگر، به دنبال برچیده شدن فساد، استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان، و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان با تکیه بر قدرت الهی و توده های مردم است.

البته برخی از جنبش های سیاسی معاصر، فقط عمل به احکام اسلام را در کشورهای خود می خواهند و برخی نیز خواستار تشکیل حکومتی مستقل، بدون تأکید بر شکل اسلامی حکومت هستند. بنابراین می توان گفت که جنبش های اسلامی معاصر، حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آنان را از عزلت و حقارت نجات داد و اسلام را به عنوان تنها راه حل برای زندگی سیاسی مسلمانان مطرح ساخت.

ویژگی های انقلاب اسلامی

گرایش دینی

یکی از ویژگی های انقلاب مردم ایران، خدا محوری آن است. در اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی می خوانیم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است».

از آنجا که انقلاب ایران به روشنی بر جنبش سراسری و چند طبقه ای متکی بود، بسیاری از تحلیلگران انقلاب، آن را انقلابی مردمی یا مردمگرا می دانند. تردیدی نیست که انقلاب ایران از نظر نوع ائتلاف قشرهای مختلف اجتماعی در آن، پدیده ای کم نظیر به شمار می آید و به همین دلیل «انقلاب مردمی» قلمداد کردن آن جایز به نظر می رسد.

البته انقلاب ایران بیشتر از هر عنوانی با نام «انقلاب اسلامی» مطرح شده است. به نظر می رسد که با توجه به گفتمان حاکم بر انقلاب ایران، رهبری انقلاب و همچنین شکل دولت و روابط اجتماعی بعد از آن، جا دارد که انقلاب ایران به عنوان انقلاب اسلامی مطرح شود.



انقلاب اثرگذار

انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های سیاسی - اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؛ زیرا موارد مشترک فراوانی بین انقلاب اسلامی ایران و این جنبش دیده می شود که این تأثیر را فراهم آورد. این زمینه ها که از آنها به عنوان عامل همگرایی یا عناصر همسویی و همرنگی نیز می توان یاد کرد، عبارت

در وصیت‌نامه پیر عرفان و بنیان گذار انقلاب اسلامی، در این باره چنین آمده است: «ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ

که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات



عنصر اصلی مبارزه، نیروهای متشکل حزبی و شبه‌نظامی بودند که از راه جنگ مسلحانه کار را تمام کردند و نقش مردم بیشتر حمایت و پشتیبانی از آنها بود، ولی در انقلاب ما، همه مردم نقش داشتند و در سراسر کشور با یک شدت و قدرت با رژیم پهلوی به مبارزه برخاستند.

رهبری و مرجعیت

از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی ایران که از ویژگی الهی بودن انقلاب سرچشمه می‌گیرد، نقش دین، عالمان دینی و رهبری و هدایت انقلاب است. همه انقلاب‌های دیگر به نوعی در مقابل دین و مذهب بودند، ولی این انقلاب با رهبری و هدایت عالمان دینی آغاز شد و به سرانجام رسید. در رأس این بزرگان، شخص امام خمینی رحمه‌الله قرار داشت که بالاترین جایگاه دینی، یعنی مرجعیت را دارا بود. رهبری ایشان، ویژگی‌های برجسته‌ای داشت که برخی از آنها را



ضد اسلامی و ضد روحانی خصوصا در این صد سال اخیر... یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد فریاد الله اکبر و فداکاری‌های حیرت‌آور و معجزه‌آسا، تمام قدرت‌های داخل و خارج را کنار زند تردیدی نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است».

مردمی بودن انقلاب

مردمی بودن در انقلاب‌های دیگر هم کم و بیش دیده می‌شود، ولی در انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته‌تر است. در این انقلاب، بیشتر مردم به صحنه آمدند و خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برقراری نظام اسلامی شدند. نظامی، کارگر، کارمند، کشاورز، روحانی، دانشجو و معلم، همه و همه در این انقلاب سهیم بودند. این وجه از مردمی بودن انقلاب شاخص است. در بیشتر انقلاب‌های دیگر،

- برمی‌شماریم:
۱. امام که مرجعی دینی بود، پایگاه وسیع و عمیق مردمی داشت.
 ۲. ایشان با پایه‌گذاری قیام پانزده خرداد و مدیریت و شجاعت بی‌مانند در آن جریان و ایام تبعید، رهبری سیاسی و انقلابی خود را به اثبات رساند.
 ۳. رهبری ایشان قاطعانه بود.

۴. امام، هم طراح انقلاب بود و هم مدیر و مجری آن.



اصالت

اصالت انقلاب اسلامی ایران دو بُعد دارد:

نظری و عملی. در بعد نظری و فکری، آرمان‌ها و ایده‌های این انقلاب، وارداتی نبوده، محصول جامعه و تاریخ ایران است. اسلام و عقاید اسلامی هزار و چهارصد سال قبل از سوی ایرانیان پذیرفته شده، در این مدت به عنصر اصلی و اساسی فرهنگ و ملیت ما تبدیل شد. در بُعد عملی نیز می‌بینیم که مردم با نیروی خود و بدون کمک‌های مالی و تسلیحاتی شرق و غرب یا همسایگان و با اتکا به خداوند شعار «پیروزی خون بر شمشیر» به پیروزی رسیدند.



خاستگاه عاشورایی انقلاب

از دیدگاه بسیاری از اندیشمندانی که در زمینه علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران نظریه‌پردازی کرده‌اند، عامل

مذهب از قوی‌ترین و اصلی‌ترین عواملی است که در پیدایش و پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشته است. همچنین مروری بر ادبیات سیاسی رایج در روند وقوع انقلاب اسلامی، شعارها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های رهبران نهضت، بیانگر این واقعیت است که از میان عناصر مذهبی، فرهنگ عاشورا و نهضت امام حسین علیه‌السلام، نقش به‌سزایی در این زمینه بر عهده داشته است. فرهنگ شهادت، مبارزه همیشگی با باطل، طاغوت‌ستیزی، اصل پیروی از رضایت خداوندی و مصالح مسلمانان، و نیز فرهنگ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی‌های مؤثر فرهنگ عاشورا بر انقلاب ایران است. هر انقلاب موفق حداقل باید در سه زمینه دارای طرحی نو و پیامی نو و امید بخش باشد. ایدئولوژی، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و بطور خلاصه منظور آنست که یک انقلاب برای آنکه «چارچوبی نو» داشته باشد، باید، انسان، جهان بینی انسان، فطرت انسانی، غرایز و نیازهای روحی و معنوی بشر و مسائل عاطفی و فطری بشری را مورد توجه قرار داده و برای همه آنها پاسخ مناسب داشته باشد. بایستی بین فطرت و عقل بشری سازگاری ایجاد نموده و شبهات و سؤالات مادی و معنوی آن را پاسخ گوید. دیگر آنکه انقلاب باید نقش مردم را در سیاست و حکومت بصورتی معقول و منطقی نظم بخشد. اگر روابط بین مردم و رهبران مبتنی بر اصول عقل و فطری نباشد و نهادهای لازم برای تقویت و اقتدار این روابط پس از انقلاب وجود نداشته باشد، نباید به تداوم انقلاب امیدوار بود. چه بسا پس از مدتی بین رهبران و قاطبه مردم انقلابی شکاف ایجاد شده و بتدریج «روحیه انقلابی» به فراموشی

سپرده و انقلاب مفهوم خود را از دست می دهد. و آخرین نکته اینکه انقلاب باید ثنوری اقتصادی جدیدی داشته باشد که بر مبنای آن روابط عادلانه و مبتنی بر عقل و فطرت انسانی بنا گذارد و بشدت از شکل گیری فاصله طبقاتی و تضعیف عدالت اجتماعی پرهیز نماید. زیرا در دنیای امروزی که بیشتر توجهات مردم به رفاه و مسایل اقتصادی است .

